

تحلیل تطبیقی مفهوم «اهل الذکر» از دیدگاه روایات تفسیری فریقین

محمد نظیر عرفانی*

خالد حسین**

چکیده

تحقیق حاضر به بررسی مفهوم «اهل ذکر» در روایات اسلامی با تمرکز بر تفاسیر شیعه و اهل سنت می‌پردازد. بر اساس آیاتی مانند آیه ۴۴ سوره نحل و ۵۹ سوره نساء، قرآن و پیامبر (ص) به عنوان منابع هدایت معرفی شده‌اند. در حدیث ثقلین، اهل بیت (ع) در کنار قرآن به عنوان مرجع هدایت مطرح شده‌اند. در روایات شیعه، مصداق «ذکر» به قرآن یا پیامبر (ص) و «اهل ذکر» به اهل بیت (ع) تفسیر شده است. این روایات تأکید دارند که پرسش از اهل بیت (ع) واجب است، اما پاسخگویی به عهده آنها نیست. در مقابل، منابع اهل سنت دو دیدگاه ارائه می‌کنند: برخی روایات، اهل بیت (ع) را مصداق «اهل ذکر» می‌دانند، درحالی‌که برخی دیگر اهل کتاب (یهود و نصاری) یا عموم عالمان قرآن را مد نظر قرار می‌دهند. بررسی‌ها نشان می‌دهد روایات شیعه همسو و یکپارچه‌اند، اما در منابع اهل سنت تنوع و گاه تضاد وجود دارد. همچنین، در روایات شیعه شأن نزول آیه مرتبط با اهل کتاب رد شده، حال آنکه در برخی منابع سنی به آن استناد می‌شود. در نهایت می‌توان گفت دیدگاه شیعه با تأکید بر جایگاه اهل بیت (ع) به عنوان تنها مصداق معتبر «اهل ذکر»، از تواتر و انسجام بیشتری برخوردار است.

واژگان کلیدی: ذکر، اهل الذکر، اهل بیت، روایات تفسیری

* استادیار جامعه المصطفی العالمیه (نویسنده مسئول)، mna8181@yahoo.com

** دانش آموخته سطح چهار رشته اهلیت (ع) شناسی، جامعه المصطفی العالمیه، k-hossin110@gmail.com



مقدمه

قرآن حکیم آخرین کتاب آسمانی است که برای هدایت مردم بر پیامبر اعظم حضرت محمد (ص) نازل گردیده است.

خداوند متعال تفسیر و تبیین مجملات و حقایق آیات قرآن را بر عهده پیامبر اکرم (ص) قرار داده است؛ و در آیه ۴۴ سوره نحل به همین مطلب اشاره می‌فرماید:

«وَأَنزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ» «ما این ذکر (قرآن) را بر تو نازل کردیم تا آنچه را که به سوی مردم نازل شده است برای آنها روشن سازی و شاید اندیشه کنند» و از طرف دیگر مسلمانان را به اطاعت از رسول خدا فرا خوانده است و در آیه ۵۹ سوره نساء می‌فرماید:

«أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ» (از خدا اطاعت کنید و از رسول خدا اطاعت کنید)

بنابراین رسول اکرم (ص) وظیفه تفسیر و تبیین آیات قرآن کریم را بر عهده دارد و بر مسلمانان واجب است که تفسیر آن حضرت را بپذیرند، چون تفسیر پیامبر اعظم برای آنها حجت است؛ و در حدیث ثقلین پیامبر گرامی فرموده است:

«إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ: كِتَابَ اللَّهِ وَعِترتي، مَا إِنْ تَمَسَّكْتُمْ بِهِمَا لَنْ تَضِلُّوا بَعْدِي» (ابن سعد، الطبقات الكبرى، ج ۲، ص ۱۹۴؛ ابن حنبل، المسند، ج ۱۴، ص ۳۷۱؛ مسلم نیشابوری، صحیح مسلم، ص ۱۲۰۰، ح ۶۱۱۹؛ ترمذی، سنن الترمذی، ج ۲، ص ۳۰۷-۳۰۸؛ حاکم نیشابوری، مستدرک علی الصحیحین، ج ۳، ص ۱۱۰؛ ابن معاذلی، مناقب علی ابن ابی طالب، ص ۲۳۵؛ بغوی، مصابیح السنه، ج ۴، ص ۱۹۰؛ خوارزمی، المناقب، ص ۱۵۴، ح ۱۸۲؛ ابن اثیر، جامع الاصول، ج ۱۰، ص ۱۸۷؛ ابن کثیر، جامع المسانید، ج ۴، ص ۴۴۶؛ متقی هندی، کنز العمال، ج ۱، ص ۱۸۶، ح ۹۴۵؛ اربلی، کشف الغمه، ج ۱، ص ۲۹؛ قندوزی، ینایع الموده، ص ۳۲؛ نعمانی، کتاب الغیبه، ص ۶۳؛ شیخ مفید، الارشاد، ج ۱، ص ۱۸۰؛ صدوق، کمال الدین، ص ۲۳۴، ح ۴۴؛ طبرسی، الاحتجاج، ج ۱، ص ۱۴۹؛ ابن طاووس، سعدالسعود، ص ۲۲۸؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۲۳، ص ۱۰۶؛ شوشتری، احقاق الحق، ج ۹، ص ۳۰۹)»



من در میان شما دو چیز گرانبها را می‌گذارم: کتاب خدا و عترت (اهل بیت) من تا وقتی که به آن دو تمسک کنید هرگز گمراه نخواهید شد.

این حدیث متواتر است و شیعه و اهل سنت هر دو آنرا قبول دارند و در کتب فریقین با کثرت طرق نقل شده است. در این حدیث عترت (اهل بیت) پیامبر در کنار قرآن کریم قرار گرفته‌اند و تمسک به آنها در همه موارد حتی در تفسیر آیات قرآن، موجب عدم گمراهی و هدایت قرار داده شده است؛ بنابراین تفسیر اهل بیت (ع) نیز، برای همه مسلمانان حجت است.

آیه شریفه «اهل الذکر» نیز، مثل دیگر آیات قرآن مورد تفسیر و توضیح پیامبر اکرم، اهل بیت و اصحاب و تابعین قرار گرفته است. این تفسیر در قالب روایات به ما رسیده است و این روایات در کتب حدیثی و تفسیری فریقین ثبت شده است. در مورد آیه شریفه «اهل الذکر» تعداد کثیری از روایات با طرق مختلف در منابع شیعه و اهل سنت نقل شده است، در این فصل به چند نمونه از این روایات، از منابع فریقین، ذکر می‌گردد؛ و در پایان به بررسی و جمع بندی آن پرداخته می‌شود.

۱. روایات در منابع شیعه

درباره آیه اهل الذکر روایات فراوانی در کتب روایی و تفسیری شیعه نقل شده است که در آنها مصداق «ذکر» و «اهل ذکر» بیان شده است. از لحاظ محتوا این روایات را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد:

۱-۱. روایات دال بر مصداق «ذکر» بودن قرآن کریم و مصداق «اهل ذکر»

بودن اهل بیت

۱. عن محمد بن مسلم عن ابی جعفر فی قول الله تعالی: «فَسْئَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ» قال: «الذکر» القرآن و آل الرسول «اهل الذکر» و هم المسئولون (حسن صفار، بصائر الدرجات، ص ۴۲، ح ۲۳؛ بحرانی، البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۳، ص ۴۲۵، ح ۱۱؛ حویزی، نور الثقلین، ج ۳، ص ۵۵، ح ۱۱۷)

محمد بن مسلم از امام باقر نقل می‌کنند که در مورد قول خداوند متعال «فَسْئَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ» فرمود: «ذکر» قرآن است و آل رسول (ع) «اهل ذکر» هستند و آنها مسئول هستند.

۲. عن حماد بن عيسى عن بريد عن ابي جعفر في قوله تعالى: «فَسْئَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ» قال: «الذكر» القرآن ونحن أهله (حسن صفار، بصائر الدرجات، ص ۴۳، ح ۲۷؛ نوری طبرسی، مستدرک الوسائل، ج ۱۷، ص ۲۸۲)

حماد بن عيسى از بريد و او از امام باقر نقل می‌کند که درباره قول خدای متعال: «فَسْئَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ» فرمود: «ذکر» قرآن است و ما اهل آن هستیم.

۳. عن محمد بن ابي عمير عن عمر بن اذينة عن بريد بن معاوية عن ابي جعفر، قال: قلت قول الله عزوجل: «فَسْئَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ» قال: «الذكر» القرآن ونحن المسئولون (حسن صفار، بصائر الدرجات، ص ۴۱، ح؛ نوری طبرسی، مستدرک الوسائل، ج ۱۷، ص ۲۷۹).

محمد بن ابی عمیر از عمر بن اذینه و او از بريد بن معاویه نقل می‌کند که گفت: من از امام باقر رباره آیه «فَسْئَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ» پرسیدم و آن حضرت فرمود: «ذکر» قرآن است و ما مسئول هستیم.

۴. عن عبد الحميد بن ابي الديلم عن ابي عبد الله، في قول الله تعالى: «فَسْئَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ» قال: كتاب الله «الذكر» وأهله آل محمد الذين أمر الله بسؤالهم و لم يؤمروا بسؤال الجاهل و سَمَى الله القرآن «ذكراً» فقال: «وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ (نحل/۴۴)» (حسن صفار، بصائر الدرجات، ص ۴۱، ح ۱۹؛ بحرانی، البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۳، ص ۴۲۵، ح ۸؛ حویزی، تفسیر نور الثقلین، ج ۳، ص ۵۷، ح ۹۷؛ حر عاملی، وسایل الشیعه، ج ۲۷، ص ۶۶؛ ری شهری، میزان الحکمه، ج ۲، ص ۹۷۴)

عبد الحمید بن ابی الدیلم از امام صادق نقل می کند که در مورد قول خداوند متعال: «فَسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ» فرمود: «ذکر» کتاب الله است و «اهل آن» آل محمد (ع) هستند، همان کسانی که خداوند متعال (مردم را) به سؤال از آنها دستور داده است و آنها مأمور به پاسخ به سؤال جاهلان نیستند؛ و خداوند قرآن را ذکر نامیده و فرموده: و ما این ذکر (قرآن) را بر تو نازل کردیم تا آنچه به سوی مردم نازل شده است برای آنها روشن سازی و شاید اندیشه کنند!

۱-۲. روایات دال بر مصداق «ذکر» بودن رسول خدا و مصداق «اهل ذکر»

بودن ائمه اهل بیت (ع)

۱. عن عبدالله بن عجلان عن ابی جعفر (علیه السلام)، فی قول الله عزوجل: «فَسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ»، قال: قال رسول الله: «الذکر» أنا و الأئمة «اهل الذکر» (کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۲۱۰، ح ۱؛ بحرانی، البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۳، ص ۴۲۳، ح ۱؛ حویزی، تفسیر نور الثقلین، ج ۳، ص ۵۵، ح ۸۹؛ ری شهری، میزان الحکمه، ج ۲، ص ۹۷۴)

عبدالله بن عجلان از امام باقر نقل می کند که در مورد قول خدای عزوجل «فَسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ» فرمود: رسول خدا (ص) فرموده است: «ذکر» من هستم و ائمه «اهل ذکر» هستند.

۲. عن عبدالرحمن بن کثیر قال: قلت لأبی عبدالله: «فَسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ» قال: «الذکر» محمد (و نحن اهله المسئولون) (کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۲۱۰، ح ۲؛ بحرانی، البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۳، ص ۴۲۳، ح ۲؛ حویزی، تفسیر نور الثقلین، ج ۳، ص ۵۵، ح ۹۰؛ صالحی اندیمشکی، القرآن و فضائل اهل البيت، ص ۲۷۲).

عبدالرحمن بن کثیر می گوید: من از امام صادق درباره آیه «فَسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ» پرسیدم، آن حضرت فرمود: «ذکر» محمد (ص) است و ما اهل او و مسئول هستیم.

۳. عن الريان بن الصلت، قال حضر الرضا في مجلس المامون بمرو وقد اجتمع في مجلسه من علماء العراق وخراسان ... قال فيه الرضا(ع): نحن اهل الذكر الذين قال الله في كتابه: «فَسْئَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ». فنحن اهل الذكر، فسئلونا ان كنتم لا تعلمون.

فقال العلماء: انما عنى الله بذلك اليهود و النصارى، فقال ابوالحسن: سبحان الله! و هل يجوز ذلك اذا يدعوننا إلى دينهم و يقولون إنه أفضل من دين الاسلام. فقال المامون: فهل عندك في ذلك شرح بخلاف ما قالوا، يا اباالحسن؟ فقال ابوالحسن: نعم، «الذكر» رسول الله(ص) و نحن أهله، وذلك بين في كتاب الله عزوجل حيث يقول في سورة الطلاق: «فَاتَّقُوا اللَّهَ يَا أُولَى الْأَلْبَابِ الَّذِينَ آمَنُوا قَدْ أَنْزَلَ اللَّهُ إِلَيْكُمْ ذِكْرًا رَسُولًا يَتْلُوا عَلَيْكُمْ آيَاتِ اللَّهِ مُبَيِّنَاتٍ (طلاق/ ۱۰- ۱۱)»، فالذكر رسول الله و نحن أهله (صدوق، عيون اخبار الرضا، ج ۱، ص ۲۲۸؛ صدوق، الامالى، ص ۵۳۱؛ ابن شعبه حرانى، تحف العقول، ص ۴۲۴؛ بحراني، البرهان في تفسير القرآن، ج ۳، ص ۴۲۶، ح ۱۳؛ بحراني، غايه المرام، ج ۳، ص ۲۶، ح ۱۲؛ حويزي، تفسير نور الثقلين، ج ۳، ص ۵۷، ح ۹۸؛ مجلسي، بحار الانوار، ج ۲۳، ص ۱۷۳).

ريان بن صلت می گوید، امام رضا در مجلس مامون در شهر مرو حاضر بود، در آن مجلس برخی از علمای عراق و خراسان نیز جمع شده بودند. در آن مجلس امام رضا (ع) فرمود: ما «اهل ذکر» هستیم همان کسانی که درباره آنها خداوند متعال در کتابش فرموده «فَسْئَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ» پس ما «اهل ذکر» هستیم و از ما بپرسید اگر شما نمی دانید. آنگاه علما گفتند: مراد خداوند از «اهل ذکر» فقط یهود و نصاری هستند. امام رضا فرمود: سبحان الله! آیا این جایز است؟ اگر این طور باشد آنها ما را به دین خودشان دعوت می کنند و می گویند: دین ما از دین اسلام افضل است. مامون گفت: ای ابوالحسن! آیا پیش شما به خلاف آنچه که اینها گفتند توضیحی وجود دارد؟

امام رضا فرمود: بله «ذکر» رسول الله (ص) است و ما اهل او هستیم؛ و همین مطلب را خدای عزوجل در کتابش بیان نموده است، جایی که در سوره طلاق می فرماید: «فَاتَّقُوا اللَّهَ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ الَّذِينَ آمَنُوا قَدْ أَنْزَلَ اللَّهُ إِلَيْكُمْ ذِكْرًا رَسُولًا يَتْلُوا عَلَيْكُمْ آيَاتِ اللَّهِ مُبَيِّنَاتٍ»، پس «ذکر» رسول خدا است و ما اهل او هستیم.

۴. عن زید بن علی فی قول الله تعالی: «فَسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ» قال: ان الله سمی رسوله فی کتابه «ذکراً» فقال: «قَدْ أَنْزَلَ اللَّهُ إِلَيْكُمْ ذِكْرًا رَسُولًا (طلاق/ ۱۰-۱۱)» و قال: فاسألوا اهل الذکر ان کنتم لا تعلمون (فراة کوفی، تفسیر فراة کوفی، ص ۲۳۴؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۲۳، ص ۱۸۸؛ نوری طبرسی، مستدرک الوسائل، ج ۱۷، ص ۲۷۱).

از زید بن علی نقل شده که درباره قول خداوند متعال «فَسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ» گفت: همانا خداوند متعال رسولش را در کتابش ذکر نامیده و فرموده: «قد انزل الله إليكم ذكراً رسولاً» و نیز فرموده: فَسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ.

۵. عن ابانه ابي العباس الفلکی قال علی: ألا إن الذکر رسول الله (و نحن أهله و نحن الراسخون فی العلم و نحن منار الهدی و أعلام التقی و لنا ضربت الأمثال (مجلسی، بحار الانوار، ج ۲۳، ص ۱۸۴).

از ابانه ابي العباس فلکی نقل شده که امام علی فرمود: آگاه باشید که «ذکر» رسول خدا (ص) است و ما اهل او هستیم و ما راسخان در علم و منارهای هدایت و نشانه های تقوی هستیم بوسیله ما مثالها زده شده است.

۱-۳. روایات دال بر مصداق «اهل ذکر» بودن اهل بیت

۱. عن الاصبغ بن نباته عن امیر المومنین فی قوله عزوجل: فَسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ. قال: «نحن اهل الذکر» (حسینی استرآبادی، تاویل الآیات الظاهره، ج ۱، ص ۳۱۸؛ بحرانی، غایه المرام، ج ۳، ص ۳۰، ح ۱۶؛ بحرانی، البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۳، ص ۸۰۲، ح ۴؛ کراجکی، کنز الفوائد، ص ۱۶۲؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۲۳، ص ۱۸۶)

اصبغ بن نباته از امیر المومنین نقل می کند که درباره قول خدای عزوجل «فاسئلوا اهل الذکر ان کنتم لا تعلمون» فرمود: ما اهل ذکر هستیم.

۲. عن محمد بن مسلم، عن ابی جعفر قال: ان من عندنا یزعمون ان قول الله عزوجل: «فَسْئَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ» انهم اليهود والنصارى، قال: «اذا يدعونکم الی دینهم» ثم قال بیده الی صدره: «نحن اهل الذکر و نحن المسئولون» (کلینی، کافی، ج ۱، ص ۲۱۱، ح ۷ عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۲۶۰؛ بحرانی، البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۳، ص ۴۲۴، ح ۵؛ حویزی، نور الثقلین، ج ۳، ص ۵۶، ح ۹۴).

محمد بن مسلم می گوید به امام باقر عرض کردم: نزد ما کسانی هستند که می پندارند که در آیه «فَسْئَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ» مقصود از اهل الذکر (یهود و نصاری) هستند. امام فرمود: اگر آنان باشند شما را به دین خودشان فرا می خوانند آنگاه با دستش به سینه خود اشاره کرد و فرمود: ما اهل ذکر هستیم و ما هستیم که مردم از ما سوال می کنند.

۳. عن الوشاء قال: سالت الرضا فقلت له: جعلت فداک «فَسْئَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ»؟ فقال: نحن اهل الذکر و المسئولون، قلت: فانتم المسئولون و نحن السائلون؟ قال: نعم، قلت: حقا علينا ان نسالکم؟ قال: نعم، قلت: حقا علیکم ان تجیبونا؟ قال: لا، ذلک الینا ان شئنا فعلنا و ان شئنا لم نفعل، اما تسمع قول الله تبارک و تعالی: «هَذَا عَطَاؤُنَا فَامْنُنْ أَوْ أَمْسِكْ بِغَيْرِ حِسَابٍ (ص/۳۹)» (کلینی، کافی، ج ۱، ص ۲۱۰-۲۱۱، ح ۳؛ بحرانی، البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۳، ص ۴۲۳، ح ۳؛ حویزی، نور الثقلین، ج ۳، ص ۵۵، ح ۹۱).

وشاء می گوید: به امام رضا گفتم: قربانت شوم و درباره آیه «فَسْئَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ» سؤال کردم، آن حضرت فرمود: ما اهل ذکر هستیم و ما مسئول هستیم عرض کردم پس شما مسئول (سوال شونده) هستید و ما سوال کننده هستیم؟ فرمود: بله.



عرض کردم: بر عهده ما است که از شما سوال کنیم؟ فرمود: آری عرض کردم بر عهده شماست که به ما پاسخ دهید؟ فرمود: خیر، این کار بر میل ماست، اگر خواستیم انجام می دهیم و اگر نخواستیم انجام نمی دهیم آیا این قول خدای تبارک و تعالی را نشنیده اید؟ این عطای ماست پس (اگر بخواهی) ببخش یا (اگر بخواهی) نگهدار، حسابی بر تو نیست.

۴. عن الوشاء عن ابی الحسن الرضا قال: سمعته یقول: قال علی بن الحسین (ع): علی الائمه من الفرض ما لیس علی سعیتهم و علی شیعتنا ما لیس علینا، امر الله عزوجل ان یسالونا، قال: «فَسَلُّوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ». فامرهم ان یسالونا و لیس علینا الجواب إِنْ شَنَّا أَجَبْنَا و إِنْ شَنَّا أَمْسَكْنَا (کلینی، کافی، ج ۱، ص ۲۱۲، ح ۸؛ حسن صفار، بصائر الدرجات، ص ۳۸، ح ۲؛ بحرانی، البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۳، ص ۴۲۴، ح ۶؛ حویزی، نور الثقلین، ج ۳، ص ۵۶، ح ۹۵).

وشاء می گوید: از امام رضا شنیدم که می فرمود:

امام سجاد فرموده است: آنچه بر ائمه واجب است بر شیعیان آنها واجب نیست و آنچه بر شیعیان واجب است بر ما ائمه واجب نیست خداوند عزوجل به شیعیان دستور داده است که از ما سوال کنند و فرموده «فَسَلُّوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ» پس به آنها دستور داده که از ما سوال کنند ولی جواب دادن بر عهده ما نیست اگر خواستیم جواب می دهیم و اگر نخواستیم جواب را نگه می داریم.

۵. عن ابی بکر الحضرمی قال کنت عند ابی جعفر و دخل علیه الورد اخو الکمیت فقال: جعلنی الله فداک، اخترت لک سبعین مساله، ما تحضرنی منها مسأله واحده قال: و لا واحده یاورد؟

قال بلی قد حضرنی منها واحده، قال: و ما هی؟ قال: قول الله تبارک و تعالی: «فَسَلُّوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ» من هم؟ قال: نحن. قال: قلت: علینا ان نسألكم؟ قال: نعم، قلت: علیکم ان تجیبونا؟ قال ذلک الینا. (کلینی، کافی، ج ۱، ص ۲۱۱، ح ۶؛ حسن صفار، بصائر الدرجات، ص ۳۸، ح ۱؛ بحرانی، البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۳، ص ۴۲۴، ح ۴؛

حویزی، تفسیر نور الثقلین، ج ۳، ص ۵۶، ح ۹۳؛ حرعاملی، وسائل الشیعه، ج ۲۷، ص ۶۶)

ابی بکر حضرمی می گوید: من در خدمت امام باقر بودم، در این هنگام ورد (برادر کمیت) بر امام وارد شد و عرض کرد: خدا مرا قربانت کند هفتاد مساله گزینش کرده بودم که از شما بپرسم و اکنون یکی از آنها را هم به خاطر ندارم حضرت فرمود ای ورد یکی را هم به خاطر نداری؟ عرض کرد: چرا یکی از آنها به خاطر آمد حضرت فرمود: آن چیست؟ عرض کرد: قول خدای تبارک و تعالی «فَسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ» اهل الذکر کیانند؟ حضرت فرمود: ما هستیم، من عرض کردم: بر ماست که از شما سوال کنیم؟ حضرت فرمود: آری، عرض کردم: بر شماست به ما پاسخ دهید؟ حضرت فرمود: این کار بر میل ماست.

۶. عن عمار السباطی عن ابی عبد الله: انه سئل عن قول الله عزوجل: «فَسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ». قال: هم آل محمد الا و انا منهم (حسن صفار، بصائر الدرجات، ص ۴۱، ح ۱۸؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۲۳، ص ۱۸۰).

عمار سباطی نقل می کند که از امام صادق در مورد آیه «فَسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ» سوال شد، آن حضرت فرمود: آنها (اهل الذکر) آل محمد هستند و ما از آنها هستیم.

۷. عن محمد بن مسلم و جابر الجعفی فی قوله تعالى «فَسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ» قال الباقر: نحن اهل الذکر (ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج ۴، ص ۱۷۸؛ بحرانی، البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۳، ص ۴۲۸، ح ۲۲؛ حویزی، تفسیر النور الثقلین، ج ۳، ص ۵۹، ح ۱۰۲؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۲۳، ص ۱۷۲).

از محمد بن مسلم و جابر جعفی نقل شده است که درباره آیه «فَسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ» امام باقر فرمود: ما اهل ذکر هستیم.



۸. عن احمد بن محمد قال: كتب الى ابو الحسن الرضا: عافانا الله و اياك احسن عافية، انما شيعتنا من تابعنا و لم يخالفنا و اذا خفنا خاف و اذا آمنا امن قال الله «فَسْئَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ»، فقد فرضت عليكم المسألة و الرد الينا و لم يفرض علينا الجواب (عياشى، تفسير عياشى، ج ۲، ص ۲۶۱، ح ۳۳؛ بحرانی، البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۳، ص ۴۲۸، ح ۲۰؛ حویزی، تفسیر نور الثقلین، ج ۳، ص ۵۹، ح ۱۰۳؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۲۳، ص ۱۸۳).

احمد بن محمد می گوید که امام رضا در نامه ای به من نوشت: خدا ما و شما را در عافیت بگذارد، شیعه ما فقط کسی است که از ما پیروی کند و باما مخالفت نکند و هنگامی که ما می ترسیم بترسد و هنگامی که ما در امانیم در امان باشد خداوند متعال می فرماید «فَسْئَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ» پس سوال کردن و برگرداندنش به ما، بر شما واجب است ولی جواب دادن بر ما واجب نیست.

۹. عن معلى بن خنيس عن ابي عبد الله في قول الله عز وجل: «فَسْئَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ». قال هم آل محمد فعلى الناس ان يسألوهم وليس عليهم ان يجيبوا ذلك اليهم إن شاءوا أجابوا و إن شاءوا لم يجيبوا (صفار، بصائر الدرجات، ص ۳۹، ح ۷؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۲۳، ص ۱۷۸).

معلى بن خنيس از امام صادق نقل می کند که درباره قول خدای عزوجل: «فَسْئَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ» فرمود: آنها (اهل ذکر) آل محمد (هستند و بر مردم است که از آنها سوال کنند ولی جواب دادن بر آنها لازم نیست و اگر خواستند جواب می دهند و اگر نخواستند جواب نمی دهند).

۱۰. عن زرارة عن ابي جعفر في قوله: «فَسْئَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ» من المعنون بذلك؟ فقال: «نحن و الله» فقلت: فأنتم المسئولون؟ قال: «نعم» قلت: ونحن السائلون؟ قال «نعم» قلت: فعلىنا أن نسألکم؟ قال: «نعم». قلت و عليكم ان تجیبونا؟ قال: «لا»، ذاک إلینا، إن شئنا فعلنا و ان شئنا ترکنا - ثم

قال - «هَذَا عَطَاؤُنَا فَامْنُنْ أَوْ أَمْسِكْ بِغَيْرِ حِسَابٍ (ص/۳۹)». (قمی، تفسیر قمی، ج ۲، ص ۶۸، ح ۵؛ حسن صفار، بصائر الدرجات، ص ۴۲، ح ۶۴؛ بحرانی، البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۳، ص ۸۰۲، ح ۳؛ حویزی، تفسیر نور الثقلین، ج ۳، ص ۴۱۳، ح ۱۰)

زراره می گوید: از امام باقر پرسیدم: در آیه «فَسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ» مراد از اهل ذکر کیانند؟ حضرت فرمود: به خدا سوگند «اهل ذکر» ما هستیم. عرض کردم: پس شما مسئول (سؤال شونده) هستید؟ ایشان فرمود: آری. عرض کردم: و ماسئول کننده هستیم؟ فرمود: آری. عرض کردم: بر ماست که از شما سؤال کنیم؟ فرمود: آری. عرض کردم: و بر شماست که به ما پاسخ دهید؟ حضرت فرمود: خیر، این کار بر میل ماست اگر خواستیم انجام می دهیم و اگر نخواستیم ترک می کنیم. سپس آن حضرت این آیه را خواند: این عطای ماست (اگر بخواهی) ببخش یا (اگر بخواهی) نگه دار، حسابی بر تو نیست.

۱۱. عن الفضیل بن یسار عن ابی جعفر: فی قوله الله: «فَسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ» قال: رسول الله (ص) و اهل بیته هم اهل الذکر و هم الائمة (ع) (حسن صفار، بصائر الدرجات، ص ۴۰، ح ۱۰؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۲۳، ص ۱۷۹؛ نوری طبرسی، مستدرک الوسائل، ج ۱۷، ص ۲۷۸).
فضیل بن یسار نقل می کند که امام باقر در باره آیه «فَسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ» فرمود: رسول الله و اهل بیتش اهل ذکر هستند و آنها ائمه هستند.

۱۲. عن هشام بن سالم قال سألت أبا عبد الله عن قول الله تعالى «فَسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ» من هم؟ قال: نحن. قلت: علينا أن نسألکم؟ قال: نعم. قلت: علیکم أن تجیبونا؟ قال: ذاک إلینا (حسن صفار، بصائر الدرجات، ص ۳۹، ح ۴؛ طوسی، الامالی، ص ۶۶۴؛ بحرانی، البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۳، ص ۴۲۶، ح ۱۴؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۲۳، ص ۱۷۸).

هشام بن سالم می گوید از امام صادق سؤال کردم، در آیه «فَسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ» آنها (اهل ذکر) کیانند؟ امام فرمود: ما هستیم، عرض کردم: بر ماست که از شما

سؤال کنیم؟ امام فرمود: آری. عرض کردم: بر شما است که به ما پاسخ دهید؟ امام فرمود: این بر میل ماست.

۱۳. عن صفوان بن يحيى قال: سألت الرضا عن قول الله تعالى «فَسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ» من هم؟ قال نحن هم (حسن صفار، بصائر الدرجات، ص ۴۲، ح ۲۱؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۲۳، ص ۱۷۶).

صفوان بن يحيى می گوید: از امام رضا سوال کردم، در آیه «فَسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ» آنها (اهل ذکر) کیانند؟ حضرت فرمود: آنها (اهل ذکر) ما هستیم.

۱۴. عن حمزه بن الطيار، أنه عرض على ابي عبدالله بعض خطب أبيه، حتى اذا بلغ موضعاً منها، قال له: «كفت واسكت». ثم قال ابو عبدالله (ع): لا يسعكم فيما ينزل بكم مما لا تعلمون الا الكف عنه و التثبت، والرد الى ائمه الهدى حتى يحملوكم فيه على القصد و يجلو عنكم العمى و يعرفوكم فيه الحق، قال الله تعالى: «فَسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ» (كليني، کافی، ج ۱، ص ۵۰، ح ۱۰؛ بحرانی، البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۳، ص ۴۲۵، ح ۹؛ حویزی، نور الثقلین، ج ۳، ص ۵۵، ح ۸۸)

حمزه بن طیار به امام صادق بعضی از خطبات پدرش را عرضه کرد؛ و دراین کار به جایی رسید که حضرت به او فرمود: دست نگه دار و ساکت باش! سپس امام صادق (ع) فرمود: در چیزی که شما علم ندارید کاری از شما بر نمی آید جزاین که دست نگهدارید و آن را به ائمه هدی برگردانید تا آنها شما را به مقصد برسانند و تاریکی را از شما بردارند و حق را به شما شناسانند. خداوند متعال فرمود: «فَسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ»

۱۵. عن وكيع بن الجراح و اسماعيل السدي و سفيان الثوري، أنه قال الحارث: سألت امير المؤمنين عن هذه الآية «فَسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ» قال: و الله إنا لنحن اهل الذكر، نحن اهل العلم، نحن معدن التأويل و التنزيل (ابن شهر آشوب، مناقب آل ابي طالب، ج ۴، ص ۱۷۸؛ بحرانی، البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۳، ص ۳۷۹؛

حویزی، تفسیر نور الثقلین، ج ۳، ص ۴؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۲۳، ص ۱۷۳).

وکیع بن جراح و اسماعیل سدی و سفیان ثوری از حارث نقل می کنند که می گوید: از امیر المومنین درباره این آیه «فَسْئَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ» سؤال کردم، حضرت فرمود: به خدا سوگند به تحقیق ما اهل ذکر هستیم و ما اهل علم هستیم و ما معدن تأویل و تنزیل هستیم.

۱۶. عن ابن عباس فی قوله تعالى: «فَسْئَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ»، قال: هو محمد وعلی و فاطمه و الحسن و الحسین و هم اهل الذکر و العلم و العقل و البیان و هم اهل بیت النبوه و معدن الرساله و مختلف الملائکه و الله ما سمی المؤمن مومنًا الا کرامة لأمیر المؤمنین (ابن طاووس، الطرائف، ۱، ص ۹۳؛ حلی، نهج الحق، ص ۲۱۰؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۲۳، ص ۱۸۶)

از ابن عباس نقل شده که درباره قول خداوند متعال «فَسْئَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ» گفت: آنها (اهل ذکر) محمد و علی و فاطمه و حسن و حسین (علیهم السلام) هستند آنها اهل ذکر و علم و عقل و بیان هستند و آنها اهل بیت نبوت و معدن رسالت و فرودگاه فرشتگان هستند به خدا سوگند که مومن فقط به خاطر کرامت امیر المومنین مؤمن نامیده شده است.

بررسی روایات شیعه

از بررسی و جمع بندی این روایات می توان به نکات ذیل دست یافت:

(۱) در دسته اول این روایات آمده است که مصداق «ذکر» قرآن کریم است و دلیل آن،

آیه ۴۴ سوره نحل، «وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَلَعَلَّهُمْ

يَتَفَكَّرُونَ» می باشد که در آن خداوند متعال «قرآن» را ذکر نامیده است؛ بنابراین در

آیه «اهل الذکر» نیز مراد از «ذکر» قرآن است.

(۲) در روایات دسته اول آمده است که «اهل بیت» اهل قرآن هستند و لذا آنها هستند

که مصداق «اهل ذکر» می باشند.

- ۳) از روایات دسته اول بدست می آید که مردم هر چه که درباره قرآن نمی دانند باید از اهل بیت (ع) پرسند؛ زیرا که اهل بیتعالمان حقیقی قرن و اهل آن هستند.
- ۴) در دسته دوم از این روایات بیان شده است که مصداق «ذکر» رسول خدا می باشد و دلیل آن آیه ۱۰ و ۱۱ سوره طلاق «فَاتَّقُوا اللَّهَ يَا أُولِيَ الْأَلْبَابِ الَّذِينَ آمَنُوا قَدْ أَنْزَلَ اللَّهُ إِلَيْكُمْ ذِكْرًا رَسُولًا يَتْلُوا عَلَيْكُمْ آيَاتِ اللَّهِ مُبَيِّنَاتٍ» است که در آن خدای تعالی، رسول خدا (ص) را ذکر نامیده است؛ و لذا در آیه «اهل الذکر» نیز مراد از «ذکر» رسول خدا (ص) است.
- ۵) در روایات دسته دوم آمده است که مراد از «اهل ذکر» اهل بیت می باشند؛ زیرا که «ذکر» رسول خدا (ص) است و آنها اهل بیت رسول گرامی هستند.
- ۶) از روایات دسته دوم به دست می آید که مردم آنچه را که از معارف دینی نمی دانند باید از اهل بیتسؤال کنند.
- ۷) در دسته سوم از این روایات مصداق «ذکر» بیان نشده، بلکه صرفاً مصداق «اهل ذکر» بیان شده است که همان اهل بیت هستند.
- ۸) در بعضی از روایات دسته سوم آمده است که مصداق «اهل ذکر» هم رسول خدا و هم ائمه اهل بیت (ع) هستند.
- ۹) در بعضی از روایات مصداق «اهل ذکر» بودن یهود و نصاری توسط امام با استدلال رد شده است.
- ۱۰) در این روایات آمده است که مردم نسبت به آنچه که از معارف دینی نمی دانند، وظیفه دارند که از اهل بیت سؤال کنند، ولی جواب دادن بر اهل بیت (ع) لازم نیست. آنها اگر می خواهند جواب می دهند و اگر نمی خواهند جواب نمی دهند؛ و این علم برای اهل بیتتعمت خاص خداوند متعال است و آنها مختارند به هر کس که بخواهند آن را ببخشند و از هر کس که بخواهند آن را دریغ کنند و در این مورد از آنها حسابی گرفته نمی شود، همچنان که در این آیه شریفه خداوند متعال می فرماید:

«این عطای ماست، (خواهی) ببخش یا (خواهی) نگهدار، حسابی بر تو نیست»

۱۱) در منابع شیعه در همه روایات مصداق اهل ذکر، اهل بیت بیان شده است؛ و در هیچ روایتی نیامده است که مصداق «اهل ذکر» اهل کتاب می باشد. بلکه این مسأله «یعنی مصداق اهل ذکر بودن اهل کتاب» در بعضی از روایات توسط امام (ع) صریحاً رد شده است.

۱۲) در روایات شیعه فقط مصداق ذکر و اهل ذکر بیان شده است و در هیچ روایت قابل اعتناء شأن نزول آیه «اهل الذکر» بیان نشده است. ۲. روایات در منابع اهل سنت

در مورد آیه اهل الذکر روایات متعددی در منابع اهل سنت نقل شده است که در آنها مصادیق «اهل ذکر» بیان شده است؛ اما تعداد این روایات در مقابل تعداد روایات مربوط به اهل ذکر در منابع شیعه کمتر است. از لحاظ محتوا این روایات را می توان به سه دسته تقسیم کرد:

۱-۲. روایات دال بر مصادیق «اهل ذکر» بودن اهل بیت

۱. عن جابر الجعفی قال: لما نزلت: «فَسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ» قال علی: نحن اهل الذکر. (طبری، جامع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۷، ص ۵؛ ثعلبی، الکشف و البیان عن تفسیر القرآن، ج ۶، ص ۲۷۰؛ قرطبی، الجامع لأحكام القرآن، ج ۱۱، ص ۲۷۲)

جابر جعفی می گوید: هنگامی که آیه «فَسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ» نازل شد، علی فرمود: ما اهل ذکر هستیم.

۲. عن السدی عن الحارث قال: سألت علیاً عن هذه الآية: «فَسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ»، فقال: والله إنا لنحن اهل الذکر، نحن اهل العلم و نحن معدن التأویل و التنزیل و لقد سمعت رسول الله (یتقول: أنا مدینة العلم و علی بابها. فمن أراد العلم فلیأته من بابها (حسکانی، شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۴۳۲)

سدی از حارث نقل می‌کند که گفت: من از علی درباره این آیه «فَسْئَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ» سؤال کردم، حضرت فرمود: به خدا سوگند به تحقیق ما اهل ذکر هستیم و ما اهل علم هستیم و ما معدن تأویل و تنزیل هستیم؛ و من از رسول خدا (شنیدم که می‌فرمود: من شهر علم هستم و علی دروازه آن است. پس هر کس که علم بخواهد باید از دروازه آن وارد شود.

۳. عن جابر عن ابی جعفر فی قوله: «فَسْئَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ» قال: نحن اهل الذكر (طبری، جامع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۴، ص ۷۵؛ ابن کثیر، تفسیر القرآن العظیم، ج ۴، ص ۴۹۲؛ حسکانی، شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۴۳۴).
جابر از امام باقر نقل می‌کند که در مورد قول خداوند متعال: «فَسْئَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ» فرمود: ما اهل ذکر هستیم.

۴. عن سعد الإسکاف عن محمد بن علی (فی قوله عزّ ذکره): «فَسْئَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ» قال: نحن هم. (همان، ص ۴۳۶)
سعد اسکاف از امام باقر نقل می‌کند (که در مورد قول خدای عزوجل) «فَسْئَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ» فرمود: ما آنها (اهل ذکر) هستیم.

۵. عن محمد بن علی قال: لما نزلت هذه الآية «فَسْئَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ» قال: علی(ع): نحن اهل الذكر الذين عنانا الله جلّ و علا فی کتابه (همان).

امام باقر می‌فرماید: هنگامی که این آیه «فَسْئَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ» نازل شد علی(ع) فرمود: ما اهل ذکر هستیم همان کسانی که خدای عزوجل در کتاب خودش آنها را عنوان کرده است.

۶. عن الفضیل بن یسار عن ابی جعفر فی قوله تعالی: «فَسْئَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ»، قال: هم الائمة من عتره رسول الله (و تلاً «و انزلنا علیکم ذکراً رسولاً». (همان، ص ۴۳۷)
فضیل بن یسار از امام باقر نقل می‌کند که درباره قول خداوند متعال «فَسْئَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ»، فرمود: آنها ائمه از عترت رسول خدا هستند و این آیه را تلاوت کرد «و انزلنا علیکم ذکراً رسولاً».

۲-۲. روایات دال بر مصداق «اهل ذکر» بودن اهل کتاب

۱. عن الضحاک عن ابن عباس قال: لما بعث الله محمداً رسولاً، أنكرت العرب ذلك و من انكر منهم قالوا: الله اعظم من ان يكون رسوله بشرا فانزل الله: «أَكَانَ لِلنَّاسِ عَجَباً أَنْ أَوْحَيْنَا إِلَى رَجُلٍ مِنْهُمْ أَنْ أَنْذِرِ النَّاسَ... الآية» (یونس/۲) و قال: «ما أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ إِلَّا رِجَالاً نُوْحِيْ إِلَيْهِمْ فَسَلُّوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ»، یعنی اهل الكتب الماضیه ابشرا كانت الرسل اليهم أم ملائكة؟

فان كانوا ملائكة أنكرتم و إن كانوا بشرا فلا تنكروا أن يكون محمد رسولاً (طبری، جامع البيان، ج ۱۴، ص ۷۵؛ ابن كثير، تفسير القرآن العظيم، ج ۴، ص ۱۹۷؛ سيوطي، الدر في تفسير القرآن المنثور في تفسير الماثور، ج ۴، ص ۱۱۸).

ضحاک از ابن عباس نقل می کند که گفت: هنگامی که خداوند متعال محمد را به عنوان رسول مبعوث کرد عرب آن را انکار کردند و گفتند: خدا بزرگتر از آن است که رسولش بشر باشد پس خداوند این آیه را نازل کرد که (آیا برای مردم موجب شگفتی بود که به مردی از آنها وحی فرستادیم به اینکه مردم را بترساند) و نیز فرمود (و ما ارسلا... لا تعلمون) یعنی پرسید از اهل کتب پیشین که آیا رسولانی که نزد آنها آمدند بشر بودند یا فرشتگان؟ پس اگر آنها فرشتگان بودند شما انکار کنید و اگر آنها بشر بودند پس رسول بودن محمد (ص) را انکار نکنید.

۲. عن السدی فی قوله: و ما ارسلا من قبلک الا رجالا - الآية. قال: قالت العرب لو لا أنزل علينا الملائكة؟ قال الله: ما ارسلت الرسل الا بشرا فاسألوا یا معشر العرب اهل الذکر و هم اهل الکتاب من اليهود و النصارى الذین جائتهم الرسل قبلکم ان کنتم لا تعلمون ان الرسل الذین کانوا قبل محمد کانوا بشرا مثله فانهم سیخبرونکم انهم کانوا بشرا مثله (سیوطی، الدر المنثور المنثور فی تفسیر الماثور، ج ۴، ص ۱۱۸ - ۱۱۹).

سدی درباره این آیه (و ما ارسلا من قبلک الا رجالا - الآية) می گوید: قوم عرب می گفتند: چرا فرشتگانی بر ما نازل نشدند؟ خداوند (در جواب آنها) فرمود: هیچ رسولی جز بشر

فرستاده نشده پس ای قوم عرب اگر شما نمی دانید از اهل ذکر بپرسید و آنها اهل کتاب از یهود و نصاری هستند کسانی که قبل از شما رسولانی نزد آنها آمدند (از آنها بپرسید که) رسولانی که قبل از محمد بودند آیا مثل او بشر بودند؟ آنها شما را خبر خواهند داد که آن رسولان مثل محمد (ص) بشر بودند.

۳. عن قتاده، قوله: «فَسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ» يقول: فاسألوا اهل التوراه و الانجيل (طبری، جامع البيان في تفسير القرآن، ج ۱۷، ص ۵).
قتاده در مورد آیه «فَسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ» می گوید: بپرسید از اهل تورا و انجیل.

۴. عن مجاهد عن ابن عباس: ان المراد باهل الذكر "اهل الكتاب" (ابن كثير، تفسير القرآن العظيم، ج ۴ ر ص ۴۹۲)

مجاهد از ابن عباس نقل می کند که مراد از «اهل ذکر» «اهل کتاب» است
۵. عن سعيد بن جبیر فی قوله: «فَسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ»، قال: نزلت فی عبدالله بن سلام و نفر من اهل التوراة، كانوا اهل كتب. يقول: فاسألوهم ان كنتم لا تعلمون (سیوطی، الدر المنثور فی تفسیر المأثور، ج ۴، ص ۱۱۹).

سعيد بن جبیر درباره آیه «فَسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ» می گوید:
این آیه در شان عبدالله بن سلام و گروهی از اهل تورات که اهل کتاب بودند نازل شده است خداوند می فرماید: بپرسید از آنها (عبدالله بن سلام و گروهی از اهل تورات) اگر شما نمی دانید.

۶. عن سفيان قال سألت الأعمش عن قوله «فَسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ» قال سمعنا انه من اسلم من اهل التوراة و الانجيل (طبری، جامع البيان في تفسير القرآن، ج ۱۴، ص ۷۵).

سفيان می گوید: از اعمش در مورد آیه «فَسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ» سوال کردم، او گفت: ما شنیدیم که آنها ایمان آوردگان از اهل تورات و انجیل هستند.

۲-۳. روایات دال بر مصداق «اهل ذکر» بودن اهل قرآن

در این دسته فقط یک روایت در منابع اهل سنت یافت شده که در کتب مختلف نقل شده است.

عن ابی وهب قال: قال ابن زید: فی قوله: «فَسَلُّوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ» قال: اهل القرآن و الذکر: القرآن و قرأ: «إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَ إِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ (حجر/۹)». (طبری، جامع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۴، ص ۷۵؛ بغوی، معالم التنزیل فی تفسیر القرآن، ج ۳، ص ۲۸۴؛ قرطبی، الجامع لأحكام القرآن، ج ۱۱، ص ۲۷۲؛ ابن کثیر، تفسیر القرآن العظیم، ج ۴، ص ۴۹۲؛ ثعلبی، الکشف و البیان عن تفسیر القرآن، ج ۶، ص ۲۷۰)

ابن وهب از ابن زید نقل می کند که درباره آیه «فَسَلُّوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ» گفت: (اهل ذکر) اهل قرآن هستند و «ذکر» قرآن است و این آیه را خواند: همانا ما این ذکر (قرآن) را نازل کردیم و به تحقیق نگهدار آن هستیم.

بررسی روایات اهل سنت

از بررسی و جمع بندی این روایات، نکات ذیل بدست می آید:

۱) در روایات دسته اول مصداق «اهل ذکر» اهل بیتیان شده است و این دسته از روایات با روایات شیعه موافقت دارند.

۲) در روایات دسته دوم، مصداق اهل ذکر، اهل کتاب (یعنی تورات و انجیل) بیان شده است. با این تفاوت که در بعضی از روایات، مطلق اهل کتاب (اعم از مؤمن و کافر) و در بعضی از روایات مومنین اهل کتاب مانند عبدالله بن سلام و غیره، مصداق اهل ذکر بیان شده است.

۳) این دسته از روایات با روایات شیعه مغایرت دارند؛ زیرا که در منابع شیعه، در هیچ روایتی اهل کتاب به عنوان مصداق اهل ذکر معرفی نشده اند.

- (۴) در منابع اهل سنت، روایات شأن نزول نیز آمده است که آیه «اهل ذکر» را با اهل کتاب مرتبط می‌سازد، در حالی که به خلاف آن در منابع شیعه هیچ روایت قابل اعتناء در مورد شأن نزول آیه اهل الذکر بیان نشده است.
- (۵) در روایت دسته سوم، مصداق ذکر، قرآن کریم و مصداق اهل ذکر، «اهل قرآن» بیان شده است؛ و دلیل آن آیه ۴۴ سوره نحل «وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ» می‌باشد.
- (۶) این روایت با روایات دسته اول از منابع شیعه، کمی موافق است؛ زیرا که در آن روایات نیز، مصداق «ذکر» قرآن کریم بیان شده است؛ و دلیل آن نیز همان آیه ۴۴ سوره نحل می‌باشد؛ اما وجه مغایرت این روایت با روایات دسته اول از منابع شیعه، در بیان مصداق اهل ذکر است. در این روایت، مصداق اهل ذکر، اهل قرآن بیان شده و وضاحتی نشده است که اهل قرآن شامل چه کسی است. آیا فقط اهل بیت هستند یا همه عالمان قرآن و یا همه مسلمانان؟ در حالی که در روایات دسته اول از منابع شیعه با صراحت بیان شده است که اهل قرآن همان اهل بیت (ع) می‌باشند.
- (۷) روایات اهل سنت از لحاظ محتوا دوگانگی دارند، در حالیکه روایات شیعه از لحاظ محتوا تقریباً یکسانند.
- (۸) روایات اهل سنت از یک جهت از جهت روایاتی که در آن مصداق «اهل ذکر»، اهل بیت (بیان شده) با روایات شیعه موافقند؛ و از جهت دیگر (از جهت روایاتی که در آن مصداق «اهل ذکر»، اهل کتاب بیان شده) با روایات شیعه مغایرند.
- (۹) روایاتی که در آن مصداق «اهل ذکر»، اهل بیت بیان شده، همه در منابع شیعه و هم در منابع اهل سنت ذکر شده است و این دلیل بر تواتر آن روایات و در نتیجه دلیل بر صحت آن روایات است.

نتیجه

تحقیق حاضر با بررسی تطبیقی مفهوم «اهل الذکر» در روایات تفسیری شیعه و اهل سنت، به وضوح تفاوتها و اشتراکات دو مکتب را در تفسیر این اصطلاح قرآنی نشان می‌دهد. بر اساس یافته‌ها، شیعه با استناد به روایات متواتر و منسجم، مصداق «ذکر» را قرآن یا پیامبر (ص) و «اهل الذکر» را اهل بیت (ع) معرفی می‌کند. این دیدگاه با استدلال به آیاتی مانند نحل/۴۴ (اشاره به قرآن به عنوان «ذکر») و طلاق/۱۰-۱۱ (اشاره به پیامبر به عنوان «ذکر») تقویت شده است. روایات شیعه بر وجوب پرسش از اهل بیت (ع) تأکید دارند، اما پاسخگویی را منوط به اراده ایشان می‌دانند، چنانکه در آیه «هَذَا عَطَاؤُنَا فَامْنُنْ أَوْ أَمْسِكْ بِغَيْرِ حِسَابٍ» (ص/۳۹) تبیین شده است. این رویکرد، جایگاه اهل بیت (ع) را به عنوان مرجع بی‌بدیل فهم قرآن و معارف دینی تثبیت می‌کند. در مقابل، منابع اهل سنت سه دیدگاه اصلی را ارائه می‌دهند:

۱. اهل بیت (ع) به عنوان مصداق اهل الذکر: که با روایات شیعه همسوست.
۲. اهل کتاب (یهود و نصاری): با استناد به شأن نزول آیه و نیاز به اثبات بشریت پیامبران پیشین. این دیدگاه در شیعه با استدلال به عدم سازگاری با هدایت اسلامی رد شده است.

۳. عالمان قرآن به شکل کلی، بدون تصریح به مصداق خاص: این تفسیر با ابهام در تعیین مصداق «اهل قرآن» همراه است.

تفاوت اصلی دو مکتب در انسجام درونی روایات است. در شیعه، تمامی روایات بر مصداقیت اهل بیت (ع) تمرکز دارند و تفسیرهای رقیب (مانند اهل کتاب) به صراحت رد شده‌اند. این یکپارچگی، مبتنی بر حدیث ثقلین و نقش اهل بیت (ع) در تبیین قرآن است. در حالی که در اهل سنت، تنوع و گاه تضاد روایات، موجب تردید در تعیین مصداق قطعی می‌شود. همچنین، شیعه شأن نزول مرتبط با اهل کتاب را نامعتبر می‌داند، اما برخی مفسران اهل سنت بدان استناد می‌کنند.

از نظر اعتبار، روایات شیعه به دلیل تواتر و هماهنگی محتوایی، از قوت بیشتری برخوردارند، حال آنکه اختلافات در منابع اهل سنت، امکان اتکا به یک دیدگاه واحد را کاهش می‌دهد. در نهایت، پژوهش حاضر نشان می‌دهد تفسیر شیعه با تأکید بر جایگاه اهل بیت (ع)، نه تنها با آیات قرآن و سنت پیامبر (ص) همخوانی دارد، بلکه از پشتوانه روایی مستحکم تری بهره می‌برد، در حالی که تفسیر اهل سنت با چالش تنوع آراء مواجه است. این یافته‌ها اهمیت مرجعیت اهل بیت (ع) در فهم دین و لزوم بازنگری در رویکردهای تفسیری غیرمنسجم را برجسته می‌کند.

فهرست منابع

۱. ابن اثیر جزری، علی بن محمد؛ جامع الأصول، بیروت: دار الفکر، ۱۴۰۳ ق.
۲. ابن حنبل، أحمد، المسند، بیروت: مؤسسة الرسالة، ۱۴۱۶ ق.
۳. ابن شهر آشوب، محمد بن علی، مناقب آل أبي طالب، قم: انتشارات علامه، ۱۳۷۹ ق.
۴. ابن طاووس، سید علی بن موسی، الطرائف، قم: نشر خیام، ۱۴۰۰ ق.
۵. ابن کثیر دمشقی، إسماعیل بن عمر، تفسیر القرآن العظیم، بیروت: دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۹ ق.
۶. اربلی، علی بن عیسی، کشف الغمة فی معرفة الأئمة، تبریز: نشر بنی هاشمی، ۱۳۸۱ ق.
۷. بحرانی، هاشم، البرهان فی تفسیر القرآن، تهران: بنیاد بعثت، ۱۴۱۶ ق.
۸. بحرانی، هاشم، غایة المرام، بیروت: دار المرتضی، ۱۴۲۲ ق.
۹. بغوی، حسین بن مسعود، معالم التنزیل، ریاض: دار طيبة، ۱۴۰۹ ق.
۱۰. حرّ عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعة، قم: مؤسسة آل البيت، ۱۴۱۴ ق.
۱۱. حسکانی، عبیدالله بن أحمد، شواهد التنزیل، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۴۱۱ ق.
۱۲. حویزی، عبدعلی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، قم: انتشارات اسماعیلیان، ۱۴۱۵ ق.
۱۳. خوارزمی، موفق بن أحمد، المناقب، قم: مؤسسة النشر الإسلامی، ۱۴۱۱ ق.
۱۴. سیوطی، جلال الدین عبدالرحمن، الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور، بیروت: دار الفکر، ۱۴۰۳ ق.
۱۵. شوشتری، نورالله، إحقاق الحق، قم: مكتبة آية الله المرعشي، ۱۴۰۹ ق.
۱۶. صدوق، محمد بن علی، کمال الدین و تمام النعمة، قم: مؤسسة النشر الإسلامی، ۱۴۰۵ ق.

۱۷. صدوق، محمد بن علی، عیون أخبار الرضا، تهران: انتشارات جهان، ۱۳۷۸ ق.
۱۸. طبری، محمد بن جریر، جامع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار المعرفة، ۱۴۱۲ ق.
۱۹. طبرسی، أحمد بن علی، الاحتجاج، مشهد: نشر مرتضی، ۱۴۰۳ ق.
۲۰. طوسی، محمد بن حسن، الأمالی، قم: دار الثقافة، ۱۴۱۴ ق.
۲۱. عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعة، قم: مؤسسة آل البيت، ۱۴۱۴ ق.
۲۲. فرات کوفی، فرات بن ابراهیم، تفسیر فرات الکوفی، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۴۱۰ ق.
۲۳. قندوزی، سلیمان بن ابراهیم، ینایع المودة، قم: اسوه، ۱۴۲۲ ق.
۲۴. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران: دار الکتب الإسلامية، ۱۴۰۷ ق.
۲۵. مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار، بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق.
۲۶. مفید، محمد بن نعمان، الإرشاد، قم: کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ ق.
۲۷. نوری، میرزا حسین، مستدرک الوسائل، قم: مؤسسة آل البيت، ۱۴۰۸ ق.
۲۸. هندی، علی متقی، کنز العمال، بیروت: مؤسسة الرسالة، ۱۴۱۳ ق.